

گاز و نان بلوط



کهگیلویه و بویراحمد گازرسانی می‌شود تا آرد بلوط‌های جنگلی که با آب رودخانه خمیر شده‌اند، به جای سینی داغ‌شده روی آتش هیزم‌ها، روی اجاق گاز به نان تبدیل شوند. گاز می‌آید تا چهره زندگی مردم، زیباتر شود.

روز به نیمه رسیده و مدرسه‌ها تعطیل شده‌اند. پراکندگی و پیاده‌روی دانش‌آموزان در هوای بسیار سرد روستاهای یاسوج، یادآور وجود اختلاف طبقاتی گسترده بین مناطق مختلف کشور است. سرویس مدرسه و تاکسی و اتوبوس، مخصوص شهرها و برخی روستاها است، اما این امکان برای همه مناطق فراهم نیست.

هوا آنقدر سوز دارد که مجبور می‌شویم شیشه خودرو رو تا انتها بالا ببریم و بخاری را روشن کنیم. دو دانش‌آموز در کنار دیواره کوه به سمت خانه‌هاشان می‌روند. سوارشان می‌کنیم. لباسشان بسیار اندک است. از داشتن لباس‌های گرم خجالت می‌کشیم. می‌پرسیم: چقدر باید راه بروید تا به خانه‌تان برسید؟ پسر بچهای که چشم‌های عسلی گیرایی دارد پاسخ می‌دهد: راه‌مان خیلی زیاد است. ما هر روز صبح ساعت ۵ از خانه بیرون می‌آییم و ۲ ساعت ونیم در تاریکی پیاده می‌رویم تا سر وقت به مدرسه برسیم. ظهر هم همین‌قدر طول می‌کشد تا برگردیم.

نزدیک روستای‌شان که در میانه جاده یاسوج - دیشموک واقع شده پیاده می‌شود. نگاه کردن به حال و روز روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد، حال غریبی به جان آدم می‌دهد. مردم از وضع معیشت خوبی برخوردار نیستند. برخی از خانواده‌ها حتی پول کافی برای خرید نان ندارند. آنها به جنگل می‌روند و بلوط جمع می‌کنند. با سنگ می‌کوبندش تا آرد شود. خیلی از مناطق آب لوله‌کشی هم ندارد. پس به ناچار از آب رودخانه برای درست کردن خمیر استفاده می‌کنند و در نهایت خمیر بلوط را روی سینی داغ شده در حرارت هیزم به نان تبدیل می‌کنند. این حلال‌ترین نان دنیا است.

و اما هیزم... چقدر تلخ است روایت سوختن هیزم‌ها. خیلی وقت‌ها هیزم‌ها، شاخه‌های خشک شده و بر زمین افتاده نیستند. درختان تنومند جنگل‌های یاسوج رو به زوال می‌روند تا خانه‌ها گرم شوند و طعم نان بلوط زیر دندان روستاییان برود. بسیاری از آنها باور نمی‌کنند که

خیلی زود گاز به خانه‌هایشان خواهد رسید. رحمان خادم می‌گوید: مردم اینجا، تا زمانی که رنگ شعله گاز را درون خانه‌شان نبینند رسیدن گاز را باور نمی‌کنند.

خادم، مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد، مرد میانسال بومی استان است که با روستاییان به زبان محلی صحبت می‌کند. با او راهی بازدید از پروژه‌های گازرسانی روستایی شده‌ایم. یاسوج را به مقصد قلعه رئیسی و دیشموک ترک کرده‌ایم و در راه به روستاهای مختلف که بعضی‌ها گاز دارند و بعضی‌ها ندارند، سر می‌زنیم.

کهگیلویه و بویراحمد سه شهرستان کهگیلویه، گچساران و بویراحمد را به همراه ۱۷ شهر و یک هزار و ۸۰۰ روستا در خود جای داده است. با رسیدن گاز به دو شهر یادشده، حالا ۱۰۰ درصد شهرها از گاز برخوردار شده‌اند. از بین روستاها نیز یک هزار و ۷۷ روستا قابلیت گازرسانی دارند که ۸۵۲ روستا بیش از ۲۰ خانوار جمعیت دارند. این یعنی توجه برای صرفه اقتصادی گازرسانی و تعهد شرکت ملی گاز ایران.



خادم می‌گوید: پیش از این، هزینه مجاز گازرسانی برای هر علمک ۶ میلیون تومان بود که اکنون این رقم به ۱۲ میلیون تومان رسیده است و سبب می‌شود گازرسانی روستایی با شتاب بیشتری انجام شود.

کهگیلویه و بویراحمد یک منطقه کوهستانی و گردشگری است که منابع طبیعی و حوزه‌های سردسیر زیادی دارد. هرچه هوا سردتر باشد مصرف هیزم و سوخت مایع نیز بیشتر می‌شود.

در میانه راه، خادم گروه خبری را به بازدید از مسیر کوهستانی لوله‌های گاز دعوت می‌کند. به جاده‌ای رسیده‌ایم که روی مرتفع‌ترین نقاط کوهستان واقع شده است. از ارتفاع، به مجموعه روستاهای درون این دره عمیق نگاه می‌کنیم. مسیر بسیار پرپیچ و خم با شیب زیاد است. لوله‌های گاز از قله تا عمیق‌ترین دامنه‌های کوهستان ادامه دارند. گاهی کنار جاده، گاهی میان سنگ. تصور تلاشی که برای گازرسانی به این روستاها شده می‌تواند به‌خوبی گویای سختی کار باشد.

همراه با مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد به موازات خط لوله گاز حرکت می‌کنیم. بانویی همراه فرزند خردسالش، افسار الاغی را که بار هیزم دارد در دست گرفته و با چهره آفتاب‌سوخته، به

سوی خانه‌اش می‌رود. قدم‌های‌مان را به سویش تند می‌کنیم و صدایش می‌زنیم. با اینکه خستگی در چهره‌اش نمایان است با مهربانی، سلام ما را پاسخ می‌گوید. از او می‌پرسیم مشغول چه کاری است؟ و می‌شنویم: من هر روز صبح زود راهی جنگل و کوه‌ها می‌شوم تا هیزم جمع کنم. اره هم با خودم می‌برم تا شاخه درخت‌ها را قطع کنم. باید برای زمستان به اندازه کافی هیزم داشته باشیم. فقط هم من نیستم. همه خانم‌ها همین کار را می‌کنند.



از او می‌خواهیم بیشتر برایمان صحبت کند. می‌گوید: جمع کردن هیزم کار خیلی سختی است. اگر هم کسی با خودش حیوانی را نیاورد مجبور می‌شود این بار سنگین هیزم را روی دوش خودش بگذارد و این همه راه را تا خانه برگردد. همین چند وقت پیش بود که یک خانم باردار به خاطر این همه هیزم، در کوه به تنهایی وضع حمل کرد. ما اینجا بسیار محروم هستیم و زندگی سختی را می‌گذرانیم.

خادم خودش را معرفی می‌کند و مژده رسیدن گاز در آینده نزدیک را می‌دهد. به او توضیح می‌دهد که با رسیدن گاز به خانه‌اش، دیگر لازم نیست هر روز او و سایر خانم‌ها، به کوهستان و جنگل بروند و هیزم جمع کنند. اینطوری هم زحمت بزرگی از دوش بانوان برداشته می‌شود، هم جنگل‌ها و درختان از بین نمی‌روند. پس از خداحافظی با مادر و فرزندش، خادم درباره طرح‌های گازرسانی استان توضیح می‌دهد و می‌گوید: قبل از انقلاب که این استان گازرسانی نشده بود، بعد از انقلاب هم روند کندی داشت، اما در سال‌های اخیر وضع گازرسانی فرق کرده است. راه‌های اینجا پرپیچ و خم است؛ پر از کوه و جنگل. زمستان هم که سراسر برف است. شرایط این استان با بقیه استان‌ها تفاوت دارد. مردم از لحاظ زندگی شرایط سختی را می‌گذرانند، به همین سبب ما شتاب در گازرسانی را دوچندان کردیم تا هم به آسایش مردم کمک کنیم و هم از تخریب جنگل‌ها به دلیل استفاده هیزم آن جلوگیری کنیم.

ادامه می‌دهد: ما طرح‌های گازرسانی بزرگی در استان داریم از جمله دو طرح مهم گازرسانی به قلعه‌رئیزی و دیشموک که دو شهر پایانی کهگیلویه و بویراحمد در گازرسانی هستند. کار گازرسانی به این دو شهر نیز از اردیبهشت ۹۶ آغاز شد و در هفته دولت امسال گاز به این مناطق رسید. از بین روستاها نیز اکنون ۶۷۷ روستا گازرسانی شده‌اند که ۳۵۲ روستا مربوط به دولت یازدهم و دوازدهم هستند.

وارد یکی از روستاها می‌شویم. روستا که می‌گوییم یعنی حدود ۲۰ خانه و یک اتاق که نام مدرسه بر سردر آن نصب شده است. هرچه چشم می‌دوانیم نه خانه بهداشتی هست نه مغازه‌ای و نه هیچ چیز دیگر. بچه‌ها به سوی‌مان می‌آیند، مادران‌شان هم. مدیرعامل و مسئولان شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد مشغول صحبت با آنان می‌شوند. جلوی همه خانه‌ها حجم بسیار زیادی هیزم برای استفاده روستاییان انباشته شده است. سوزاندن این هیزم‌ها خطرناک است، سبب آلودگی هوا می‌شود و منابع طبیعی را به خطر می‌اندازد. به گفته مسئولان شرکت گاز استان، حتی استفاده از سوخت‌های فسیلی نیز ریه‌های مردم را دچار مشکل کرده است، اما حالا مردم با دیدن اجرای طرح‌های گازرسانی نسبت به توسعه آسایش خود امیدوار شده‌اند.

صحبت‌های خادم با اهالی روستا که تمام می‌شود، می‌گوید: مردم حق دارند از گاز طبیعی استفاده کنند. تاکنون نیز شرکت ملی گاز به‌خوبی تلاش کرده تا مردم از حق خودشان بهره‌مند شوند. مردم اینجا برای تامین سوخت مورد نیازشان سختی‌های بسیاری را متحمل می‌شوند. اینها شرایط بسیار دردناکی است که مردم این منطقه دارند و ما همه توان خود را به کار گرفته‌ایم تا این سختی‌ها را از دوش آنها برداریم. با کار شبانه‌روزی طرح‌ها را یکی پس از دیگری اجرا می‌کنیم تا شاهد این زندگی‌های سخت نباشیم.

مقصد بعدی ما روستایی است بر فراز قله یکی از کوه‌ها. مسیر به واقع سخت است. خودروهای سواری توان بالارفتن از این شیب تند را ندارند. در نهایت با یکی دو خودرو که مخصوص مناطقی عملیاتی است راهی می‌شویم. به بالای کوه می‌رسیم. یک روستای کوچک با هوای بسیار سرد که به تازگی خط لوله گاز را پذیرا شده است. شیب کوه تند و خطرناک است. می‌توان تصور کرد که برای رسیدن خط لوله به این نقطه چه زحماتی کشیده شده است.

اینجا کیلومتر ۶۰ از ۷۴ کیلومتر خط لوله گاز ۸ اینچ قلعه رئیسی به سوی دیشموک است. مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد توضیح می‌دهد: مسیر این خط ۱۰۰ درصد سنگی است. ما به صورت سه شیفت در این طرح کار می‌کردیم و یک میلیون و ۵۰۰ هزار مترمکعب خاکبرداری سنگین انجام دادیم. انواع ماشین‌آلات سنگین مهندسی را به کار گرفتیم و از گردنه‌های پرپیچ و خم عبور کردیم و موفق شدیم کار را به پایان برسانیم.

پیرمردی عصایش را در دست گرفته و به حرفهای خادم گوش می‌دهد. جلوتر می‌آید و درباره اشتغال به کار جوانان روستا در شرکت گاز سوال می‌پرسد. خادم همه چیز را برایش توضیح می‌دهد. دعای خیر پیرمرد بدرقه راهمان می‌شود. روستا را ترک می‌کنیم و جاده سخت را باز می‌گردیم. خادم درباره اشتغال جوانان روستایی می‌گوید: ما نمی‌توانیم همه جوانان روستاها را در شرکت گاز استخدام کنیم. اما آنها را توانمند می‌کنیم؛ برای‌شان دوره‌های آموزشی برگزار می‌کنیم تا دانش اجرای طرح‌های گازرسانی را فرا بگیرند. با پیمانکاران طرح‌ها نیز شرط کرده‌ایم که فقط از جوانان همین استان در طرح‌ها استفاده کنند. البته این یک اشتغال کوتاه مدت برای آنان است، اما وقتی هر کدام از طرح‌ها تمام شوند، آنها هم دانش تئوری و هم تجربه عملی خوبی به دست آورده‌اند و به‌خوبی می‌توانند در سایر طرح‌های گازرسانی مشارکت کنند. حتی برای‌شان در طرح‌های غیر گازی هم کار پیدا می‌شود.

ادامه می‌دهد: با توجه به جمعیت استان، تعداد افراد تحصیلکرده، اما بیکار زیاد است. اینجا یک استان صنعتی نیست، اما گازرسانی می‌تواند زمینه‌ساز صنعتی شدن استان ما باشد. اکنون ۳۵ پروژه معادل گازرسانی به ۱۸۰ روستا را در دست اقدام داریم که موجب اشتغال بیش از ۵۰۰ نفر به صورت دائم تا اتمام طرح‌ها شده است. پروژه که به پایان برسد نیز ظرفیتی برای مشاغل دیگر ایجاد می‌شود. انتخاب گازبان، کنتورخوان و امدادگر گاز نیز از مشاغل پایداری هستند که پس از گازرسانی در هر منطقه شکل می‌گیرند. گازرسانی سبب توسعه پایدار می‌شود. وقتی گاز به روستاها می‌رسد زمینه و شرایط برای راه‌اندازی مشاغل جدید ایجاد می‌شود. از احداث گلخانه گرفته تا صنایع مختلف و نانوایی‌ها و ...

به گفته خادم جوانان پویای استان، نقش بسیار مهمی در پیشبرد طرح‌های گازرسانی داشته‌اند.

از او درباره گازرسانی به صنایع می‌پرسیم. دشتی را نشان‌مان می‌دهد که در آینده پتروشیمی دهدشت در آن احداث خواهد شد. به گفته خادم، به تازگی سه نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی در استان تعریف شده‌اند که گاز خوراک آنها خواهد بود. پتروشیمی دهدشت، پتروشیمی بویراحمد، پتروشیمی تدبیر انرژی و پتروشیمی گچساران به همراه دیگر صنایعی که ایجاد خواهند شد، همگی از مصرف‌کنندگان آتی گاز طبیعی هستند.

همچنین در آینده نزدیک به ۹۳ صنعت استان گازرسانی خواهد شد که تاثیر مهمی در صرفه‌جویی مصرف سوخت مایع و تامین هزینه پروژه‌های گازرسانی دارد.

با مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد به نزدیک رودخانه پرآب مارون می‌رسیم؛ رودخانه‌ای که به سبب عمق زیاد، تابلوی هشدار و ممنوعیت شنا کردن در کنار آن نصب شده است. این رود، یکی از چهار رودخانه‌ای است که به صورت فصلی و دائمی در مسیر خطوط لوله ۱۰ اینچ گاز استان کهگیلویه و بویراحمد قرار گرفته‌اند و این خط نیز از عمق سه متری رودخانه مارون عبور کرده است.

مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد هنگامی که درباره سختی کار و تلاش شبانه‌روزی پیمانکاران و کارکنان برای گازرسانی به دورترین و سخت‌ترین روستاها صحبت می‌کند، لبخندی حاکی از رضایت بر چهره‌اش نقش می‌بندد. او می‌گوید: ما نه تنها همه طرح‌های خود را با تکیه بر توان جوانانمان اجرا می‌کنیم، بلکه استفاده ۱۰۰ درصدی از تجهیزات و کالاهای ساخت داخل نیز یکی از همان مواردی است که حس غرور و افتخار را در ما زنده نگه می‌دارد. شعار امسال نیز حمایت از کالای ایرانی است، از طرفی وزارت نفت با توجه به تعاملی که با پیمانکاران و تامین‌کنندگان تجهیزات و قطعات مورد نیاز صنعت داشت این شعار را جامه عمل پوشانده است. به همه شرکت‌های گاز استانی نیز ابلاغ شده که همه خریده‌های شرکت‌های گاز استانی باید از سازندگان داخلی انجام شود و ما نیز با افتخار این ابلاغیه را اجرا می‌کنیم.

مسیر خود را به سوی عمیق‌ترین نقطه از دامنه کوه‌هایی که درباره‌اش صحبت کردیم، تغییر می‌دهیم. هنوز ماشین‌آلات سنگین مشغول کار هستند. گذراندن لوله‌های گاز از دل این کوه‌های با شکوه، کار هر کسی نیست. خادم می‌گوید: واقعاً گازرسانی به برخی نقاط توجیه اقتصادی ندارد. پراکندگی روستایی بسیار زیاد است. برای همین دو طرح گازرسانی به دیشموک و قلعه رئیسی، حدود ۸۰ میلیارد تومان هزینه کرده‌ایم. ۷۰ سال طول می‌کشد تا این پول بازگردد، در حالی که اگر توجیه اقتصادی داشته باشد در طول پنج سال باید بازگشت سرمایه انجام شود. این کار را فقط برای خدمت به مردم انجام می‌دهیم و خوشبختانه طرح‌های گازرسانی نیز در زمانی کمتر از مدت برنامه‌ریزی شده به ثمر نهشته‌اند.

ادامه می‌دهد: وظیفه ما ایجاد زیرساخت‌ها است تا مردم بتوانند برای

خودشان با استفاده از گاز طبیعی شغل‌های جدید ایجاد کنند. هر زمان که صنایع در این استان شکل بگیرند ما نیز آماده هستیم تا گاز را از بخش خانگی و تجاری به سوی صنعتی، نیروگاهی و جایگاه‌های سیان‌جی گسترش دهیم. یکی از مهم‌ترین اهداف دولت برای گازرسانی روستایی نیز همین موضوع است. اینکه روستاییان برای اشتغال مجبور به ترک محل زندگی خود نشوند. حالا که گاز به روستاها می‌رسد، ماجرای مهاجرت در استان ما نیز روند معکوس در پیش گرفته است. حالا روستاییان از شهرها به روستای خود باز می‌گردند و به فکر کسب‌وکار در کنار خانواده خود هستند.

در کنار یکی از روستاها توقف می‌کنیم. اندازه جاده آسفالت با جاده خاکی تازه احداث شده بسیار متفاوت است. اینجا یکی از مناطقی است که گازرسانی، عریض شدن جاده را نیز به همراه داشته است. سنگ‌برداری از کوه‌ها، جاده را فراخ کرده و راه عبور و مرور گسترده‌تر شده است. خادم درباره چگونگی سنگ‌برداری‌ها توضیح می‌دهد و در جایگاه یک شهروند استان کهگیلویه و بویراحمد از وزیر نفت به سبب کمک‌های فراوانی که برای ایجاد جاده‌ها و زیرساخت‌ها (غیر از طرح‌های گازرسانی) انجام شده است، قدردانی می‌کند.

به گفته وی، اکنون ضریب گازرسانی شهری ۱۰۰ درصد و گازرسانی روستایی به ۷۵ درصد رسیده است که با اتمام طرح‌های در دست اقدام، این آمار به ۹۰ درصد یعنی بالاتر از متوسط گازرسانی روستایی کشور، خواهد رسید. افتتاح طرح گازرسانی به ۴۵ روستای استان به همراه کلنگ‌زنی برای گازرسانی به ۷۰ روستای دیگر نیز در دهه فجر امسال کلید خواهد خورد، البته توجه به این نکته لازم است که هر چه طرح‌های گازرسانی روستایی به پیش می‌روند، کار سخت‌تر می‌شود. فاصله روستاها از خطوط اصلی و پراکندگی آنها، هم هزینه کار و هم حجم لوله‌گذاری و خاک‌برداری‌ها را بیشتر می‌کند، بنابراین ارزش گازرسانی به روستاهای بسیار دور از خط اصلی و پراکنده معادل گازرسانی به چند روستای نزدیک خطوط است.



بر اساس آمار شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد، از ابتدای انقلاب تا ابتدای دولت یازدهم، ۳۲۵ روستا و از سال ۹۲ تاکنون، ۳۵۲ روستا گازرسانی شده‌اند. مقایسه این دو رقم، نشان‌دهنده همت دولت و وزارت نفت برای توسعه رفاه بین مردم است. توانمندترین و زبده‌ترین پیمانکاران برای اجرای طرح‌های گازرسانی سخت انتخاب می‌شوند،

هزاران میلیارد دلار هزینه می‌شود تا به نقطه‌ای برسیم که هیچ خانواده‌ای در هیچ کجای ایران، زمستان را در خانه‌ای سرد یا همراه با بوی نفت، سپری نکند.

جاده کوهستانی را ادامه می‌دهیم. مقصد نهایی ما دیشموک است. آخرین شهر استان کهگیلویه و بویراحمد که گازرسانی شده است. علمک‌گذاری‌ها در این شهر ادامه دارد. بعد از نصب علمک نیز نوبت خانواده‌ها است تا تأییدیه سازمان نظام مهندسی و اشتراک گاز را دریافت کنند و با انجام لوله‌کشی داخلی، رنگ آبی شعله‌های گاز را به چشم ببینند و گرمایش را به جان حس کنند.

مدیرعامل شرکت گاز استان کهگیلویه و بویراحمد درباره گازرسانی به این منطقه توضیح می‌دهد: ما از سهراهی طولیان به سمت دیشموک، ۷۴ کیلومتر لوله‌گذاری فلزی ۱۰ و ۸ اینچ در کوهستان انجام داده‌ایم. ۵۴ کیلومتر جاده را در کمتر از ۹ ماه ساختیم. در مسیر گازرسانی تلاش کرده‌ایم تا کمترین میزان قطع درخت را داشته باشیم، همچنین برای لوله‌گذاری در کوهستان از عملیات انفجاری نیز استفاده نکردیم و خاکبرداری را به صورت پیوسته در مسیر ادامه دادیم.

پروژه گازرسانی به قلعه رئیسی و دیشموک در سه سال اخیر مطرح شد. در ابتدا بحث صرفه اقتصادی آن مطرح و قرار بود گازرسانی به اینجا با خط لوله انجام نشود، بلکه روش سیان‌جی را در نظر گرفته بودند. سیان‌جی شاید از لحاظ هزینه مقرون به صرفه باشد، اما به دلیل وضع جاده‌های دسترسی، این روش پایداری لازم را نداشت. این منطقه حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد که رو به افزایش هم هستند. با انجام بررسی‌های بیشتر، بحث خط لوله را در سه فاز تعریف کردیم.

این پروژه مانند سایر طرح‌ها نبود و اگر می‌خواستیم آن را مانند دیگر طرح‌ها تقسیم‌بندی کرده و به پیمانکاران مختلف واگذار کنیم سال‌ها طول می‌کشید، اما همه طرح را یکجا با ارزش ۴۰ میلیارد تومان به یک پیمانکار واگذار کردیم، همچنین با ۱۴ ناظر قرارداد بستیم تا بر روند اجرای کار نظارت داشته باشند. هزینه اجرای این طرح نیز بسیار زیاد بود و حجم خاکبرداری، طراحی، مهندسی و گذر از مناطق کوهستانی با همه طرح‌ها تفاوت داشت.

ما در قسمت‌هایی جاده‌سازی انجام دادیم که به‌طور کامل کوهستان بود، اما هم جاده ساختیم هم ماشین‌آلات را به شیب‌های بسیار تند آوردیم و هم خطوط گاز را از میان سنگ‌ها و کوه‌ها عبور دادیم. ما از مناطقی

گذشتیم که حتی امکان پیاده‌روی نیز در آن وجود ندارد. برای مثال، ۱۵۰ هزار تن خاک را فقط در کنار یک کوه خاکبرداری کرده‌ایم.

محل تامین منابع مالی این طرح‌ها نیز بند «ق» تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ هستند. این قانون برای گازرسانی به سراسر کشور از جمله استان ما یک نعمت بود. رفع و کاهش آلودگی هوا، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و فروش و ارزآوری آنها از مهم‌ترین نکات مثبت این قانون است که منبع تامین هزینه‌های گازرسانی محسوب می‌شود. خوشبختانه این قانون تا سال ۹۹ تمدید شده است. یکی از دلایل گرایش پیمانکاران به سمت شرکت ملی گاز ایران نیز همین موضوع است که ما هزینه پیمان‌ها را به صورت نقد پرداخت می‌کنیم و حتی یک ریال به پیمانکارانمان بدهکار نیستیم.

سری به خانه‌های دیشموک می‌زنیم. میهمانی‌های کوچک چند دقیقه‌ای که قلب آدم را سرشار از درد می‌کنند. خانه‌هایی بسیار کوچک با دیوارهایی که آرزو می‌کنیم بلایای طبیعی هیچ‌گاه به سراغشان نیاید، زیرا دوامی برای مقابله و استقامت ندارند. بانویی همراه دو دخترش به سوی یکی از خانه‌ها می‌رود. به سویی قدم بر می‌داریم و خودمان را معرفی می‌کنیم. خوشرو و صمیمی ما را به خانه‌اش دعوت می‌کند. او و همسرش با ۶ فرزند در اتاقی زندگی می‌کنند که فاصله چندانی با محل نگهداری گوسفندان‌شان ندارد. کدام یک از ما حاضریم حتی یک شب را در چنین خانه‌ای سپری کنیم. اینکه می‌گوییم شرایط زندگی بسیار سخت است را باید از نزدیک دید و لمس کرد. نه فرش نرمی، نه تلویزیون، نه یخچال و نه خیلی از وسایلی را که به نظر شهرنشینان تا نباشد، خانه، خانه نمی‌شود در اینجا نمی‌توان یافت.



با مادر خانه به گفت‌وگو می‌نشینیم. درددل‌ها بسیار است. دیدن این وضعیت تهیه ادامه گزارش را سخت می‌کند. چشم که پر از اشک شود و دست که بلرزد، نوشتن ناممکن می‌شود. بخاری نفتی وسط اتاق می‌سوزد، اما جان‌ها را گرم نمی‌کند. از خانه که بیرون می‌آییم، حال همه ما دگرگون است. شاید تنها راهی که برای بهتر شدن ذهن‌مان می‌یابیم، تصور آینده‌ای روشن با رسیدن گاز به خانه‌های تک‌تک روستاییان است. گاز به این منطقه آمده است تا بوی بد نفت در خانه نیچد، سنگینی کپسول‌های گاز بر دوش کسی حس نشود، شهر چهره صنعتی شدن بگیرد و بیکاری از میان جوانان برود. رسیدن گاز به این مناطق، نقطه عطف توسعه و آبادانی است.

خدا قوت می‌گوییم به همه کسانی که با جان و دل می‌کوشند تا چهره فقر و آسیب‌دیدگی از میان خانواده‌های هم‌وطنانمان رخت بربندد و کودکان، با رسیدن به آنچه که حق آنان است، لبخندی شیرین و زیبا بر لب داشته باشند.

فاطمه شعبانی